ناگهان بال و پرم آتش گرفت

سوختم پا تا سرم آتش گرفت

با گلت سیلی نمی دانی چه کرد

پلک چشمان ترم آتش گرفت

دست آن نامرد داغ از کینه بود

زد به رویم معجرم آتش گرفت

گرم عشقت بودم از خود بی خبر

بین شعله پیکرم آتش گرفت

با تماشای تن خونین من

قلب زینب دخترم آتش گرفت

بانگ سر دادم که ای فضه بیا

نازدانه گوهرم آتش گرفت

روضه خوانم شد خدا فرمود آه

دختر پیغمبرم آتش گرفت

اجرا شده در شب دوم فاطمیه اول | 22 اسفند 1392 هیأت رایة العباس(ع)